

فرہنگ سبک شناسی

نویسندگان:

نینا نورگارد، بئاتریکس بوسہ، روسیو مونٹورو

ترجمہ

احمد رضایی جمکرانی (عضو ہیئت علمی دانشگاه قم) و مسعود فرہمندفر



آبشارات فروارید

Norgaard, Nina	نورگوا، نینا	سرشناسه:
	فرهنگ سبک‌شناسی	عنوان و نام پدیدآور:
	تهران: مروارید، ۱۳۹۳.	مشخصات نشر:
	۲۹۲ وزیری.	مشخصات ظاهری:
	978-964-191-376-4	شابک:
	فیپای مختصر	وضعیت فهرست‌نویسی:
key terms in stylistics	عنوان اصلی:	یادداشت
Beatrix Busse	بوسه، بیاتریکس،	شناسه افزوده:
Rocio Montoro	مونتورو، روسیو،	شناسه افزوده:
رضایی جمکرانی، احمد، ۱۳۵۲ -	مترجم	شناسه افزوده:
فرهمنده، مسعود، ۱۳۶۵ -	مترجم	شناسه افزوده:
۳۷۷۸۹۴۵		شماره کتابشناسی ملی:



انتشارات مروارید

تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، پلاک ۱۱۸۸ / ص. ب. ۱۶۵۴ - ۱۳۱۴۵

دفتر: ۰۸۶۶ - ۶۶۴۰۰۸۶۶ - ۶۶۴۱۴۰۴۶ - ۶۶۴۸۴۶۱۲ فاکس: ۶۶۴۸۴۰۲۷

فروشگاه: ۶۶۴۶۷۸۴۸

www.morvarid-pub.com

فرهنگ سبک‌شناسی

نینا نورگارد، بثاتریکس بوسه، روسیو مونتورو

ترجمه

احمد رضایی جمکرانی و مسعود فرهمنده

دبیر انتشارات: فاضل ترکمن

تولید فنی: الناز ایلی

صفحه‌آرایی: نینا حسامی

چاپ اول ۱۳۹۴

چاپخانه: کتاب شمس

تیراژ ۵۵۰

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۳۷۶-۴ ISBN 978-964-191-376-4

۱۹۵۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

پیشگفتار مترجمان	۹
مقدمه	۱۱
سبک‌شناسی چیست؟	۱۱
شاخه‌های سبک‌شناسی؛ نمای تاریخی مختصر	۱۲
سبک‌شناسی در آموزش و عالم علم و ادب	۱۶
جعبه ابزار سبک‌شناسی؛ نمای کلی کتاب	۱۶

شاخه‌های اصلی سبک‌شناسی / ۱۹

روایت‌شناسی	۲۱
سبک‌شناسی آموزشی	۲۴
سبک‌شناسی انتقادی	۲۷
سبک‌شناسی پیکره‌ای	۲۹
سبک‌شناسی تاریخی	۳۲
سبک‌شناسی چندوجهی	۳۶
سبک‌شناسی شناختی / بوطیقای شناختی	۴۰
سبک‌شناسی کاربردی	۴۲
سبک‌شناسی فرمالیستی	۴۹
سبک‌شناسی فمینیستی	۵۱
سبک‌شناسی فیلم	۵۴
سبک‌شناسی نقش‌گرا	۵۷
عاطفه: رویکردهای سبک‌شناختی	۵۸
مطالعه تجربی ادبیات	۶۱
نقد خواننده‌محور	۶۴

اصطلاحات کلیدی در سبک‌شناسی / ۶۷

۶۹		آشنایی زدایی
۶۹		ادب
۷۳		انجمن جهانی معناشناسی ادبی
۷۳		انجمن زبان‌شناسی و فن شعر
۷۴		اختیاری (قراردادی) بودن
۷۴		ارائه اندیشه
۷۹		ارائه گفتار
۸۲		ارائه گفتمان
۸۶		ارائه نوشتار
۸۷		ارجاع
۸۸		استعاره
۹۰		استعاره دستوری
۹۱		استعاره مفهومی
۹۴		استلزام
۹۴		اسکرپیت
۹۴		اصول مشارکت زبانی
۹۷		انسجام
۹۷		انسجام واژگانی
۹۷		انسجام ناقص
۹۸		بافتار
۹۸		برجسته‌سازی
۱۰۰		پیام کلامی
۱۰۱		پیش‌فرض و استلزام
۱۰۲		پیکره
۱۰۲		پیوستگی
۱۰۵		تحلیل گفتگو
۱۰۶		تحلیل گفتمان انتقادی
۱۰۷		تضمن
۱۰۷		تعذی

۱۰۸.....	تناسب.....
۱۰۹.....	توازن.....
۱۰۹.....	جایگزینی.....
۱۰۹.....	چندوجهیت.....
۱۱۲.....	حذف.....
۱۱۲.....	خوشه.....
۱۱۲.....	دال و مدلول.....
۱۱۳.....	در زمانی.....
۱۱۴.....	راوی.....
۱۱۸.....	روایت.....
۱۲۴.....	زاویه دید.....
۱۲۸.....	زبان.....
۱۲۸.....	سبک.....
۱۳۰.....	سبک ذهنی.....
۱۳۳.....	سبک (مجله).....
۱۳۳.....	شمایل، شمایی، شمایل‌گویی.....
۱۳۴.....	شمایل‌گویی نحوی.....
۱۳۵.....	شیوه سخن‌گویی.....
۱۳۵.....	طرح‌واره.....
۱۳۵.....	قطب‌بندی.....
۱۳۵.....	قطب‌بندی سلبی.....
۱۳۸.....	کانون‌شدگی.....
۱۴۲.....	کلمات اشاری.....
۱۴۵.....	کلمات ندایی و نام‌گذاری.....
۱۴۹.....	لانگ و گفتار.....
۱۵۰.....	متن و بافتار.....
۱۵۱.....	مجاز.....
۱۵۲.....	مجاز جزء به کل.....
۱۵۲.....	مدلول.....
۱۵۲.....	مصدق.....
۱۵۳.....	معنای اندیشگانی.....
۱۵۵.....	معنای بینافردی.....

۱۵۷.....	معنای تجربی.....
۱۵۷.....	معنای قاموسی و معنای ضمنی.....
۱۵۹.....	معنای ضمنی.....
۱۵۹.....	معنای متنی.....
۱۶۱.....	نظریه آمیختگی.....
۱۶۴.....	نظریه انتقال ارجاعی.....
۱۶۸.....	نظریه چارچوب بافتاری.....
۱۷۲.....	نظریه جهان متن.....
۱۷۶.....	نظریه جهان‌های ممکن.....
۱۸۰.....	نظریه کنش گفتار.....
۱۸۴.....	نظریه فضاهاى ذهنی.....
۱۸۸.....	نظریه طرح‌واره.....
۱۹۲.....	نفی.....
۱۹۲.....	نقد سبک‌شناسی.....
۱۹۴.....	نوبت‌گیری.....
۱۹۵.....	هم‌آیی.....
۲۰۰.....	هم‌حروفی.....
۲۰۰.....	هم‌زمانی.....
۲۰۰.....	همصدایی.....
۲۰۱.....	هتجارگریزی.....
۲۰۱.....	واج‌آرایی.....
۲۰۲.....	وجهیت.....

متفکران اصلی در سبک‌شناسی / ۲۰۷

۲۰۹.....	اموت، کاترین.....
۲۱۱.....	پرتن، دیردرا.....
۲۱۳.....	تولان، مایکل.....
۲۱۶.....	چامسکی، نوام.....
۲۱۹.....	سیمپسون، پُل.....
۲۲۱.....	سینکلر، جان.....

۲۲۴.....	سُوسور، فردینان دُو.....
۲۲۷.....	شُورت، میک.....
۲۳۰.....	فاولر، راجر.....
۲۳۱.....	فُرس ویل، چارلز.....
۲۳۳.....	فلودرینیک، مونیکا.....
۲۳۶.....	کارتِر، رونالد.....
۲۳۸.....	لیچ، جفری اِن.....
۲۴۱.....	لیوون، تئو وُن.....
۲۴۲.....	نَش، والتر.....
۲۴۵.....	ورث، پُل.....
۲۴۷.....	وردانک، پیتِر.....
۲۴۹.....	ولز، کتی.....
۲۵۰.....	وُن پیر، ویلی.....
۲۵۲.....	ویڈوسن، هنری جی.....
۲۵۳.....	هلیدی، مایکل.....
۲۵۶.....	یاکوبسن، رومن.....

کتاب‌شناسی سبک‌شناسی (برای مطالعه بیشتر) ۲۶۱

پیشگفتار مترجمان

هنگام بحث دربارهٔ سبک‌شناسی باید از دو منظر به این موضوع توجه کنیم: نخست حوزهٔ سبک‌شناسی و دوم شیوه‌های آن. روزگاری نه‌چندان دور سبک‌شناسی را رویکرد زبانی به ادبیات تلقی می‌کردند؛ آن‌چه در این رویکرد اهمیت داشت، فقط برجسته‌نمودن مسائل زبانی در سبک‌شناسی بود. با گذشت زمان پیوند سبک‌شناسی با ادبیات گسترده‌تر نشان داده شد و نظام سبک‌شناسی حلقهٔ واسط میان زبان‌شناسی و نقد ادبی معرفی شد. امروزه، اما باید از منظری دیگر به این دانش بنگریم؛ به‌نظر می‌رسد در دوران کنونی سبک‌شناسی حلقهٔ پیونددهندهٔ حوزه‌های مختلف ادبیات است؛ به دیگر سخن، تصور دانش‌های ادبی بدون سبک‌شناسی، ناممکن است. حتی در چشم‌اندازی گسترده‌تر حوزه‌های دیگر مانند تلویزیون، انواع تبلیغات تجاری و غیرتجاری، شبکه‌های اجتماعی و سایر رسانه‌ها در نظام سبک‌شناسی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده‌اند؛ به تعبیری دیگر، سبک‌شناسی دیگر منحصر به حوزهٔ ادبیات و زبان نیست، بلکه هر روز قلمرو آن گسترده‌تر می‌شود. از طرفی می‌توان گفت در میان دانش‌های ادبی، سبک‌شناسی تلاش می‌کند با به‌کارگیری شیوه‌ها و ابزار عینی، پژوهش‌های نظام‌مندتر و علمی‌تری در عرصهٔ ادبیات ارائه نماید. شاید همین مختصه باعث شده سبک‌شناسی در مقایسه با دیگر علوم ادبی، بیشتر کانون توجه قرار گیرد و محققان از چشم‌اندازهای متنوع به این موضوع بپردازند و نظریه‌ها و آثار مختلفی را در این عرصه پدید آورند؛ نظریات و آثاری که در روزگار ما شتابی دوچندان گرفته است، بخش پایانی کتاب حاضر که دربردارندهٔ منابع سبک‌شناسی است، مؤید این موضوع است.

سبک‌شناسی در ایران حکایتی دراز دارد که از حوصله این مقال خارج است اما به اختصار می‌توان گفت پس از کتاب سبک‌شناسی ملک‌الشعرای بهار که این موضوع را به شیوه خویش به تحقیقات ادبی افزود و مدت مدیدی بر پژوهش‌های این حوزه سایه افکنده بود، کتاب بسیار تأثیرگذار دکتر سیروس شمیسا با عنوان «کلیات سبک‌شناسی» با رویکردی کاملاً متفاوت با سبک‌شناسی بهار، پایه‌گذار پژوهش‌های سبک‌شناختی جدیدی در زبان فارسی شد. سایر پژوهش‌های سبک‌شناختی در زبان فارسی یا شکل دیگر همان تاریخ ادبیات‌نویسی مرسوم در ایران است، یا تألیفی است که در جای‌جای آن نشانه‌های ترجمه و تأثیر افکار و آثار دیگران مشهود است. کتاب حاضر همان‌طور که مؤلفان در مقدمه توضیح داده‌اند، فی‌واقع دائرة‌المعارفی است که توانسته ضمن معرفی شاخه‌ها، اصطلاحات، متفکران و منابع سبک‌شناسی، پیوند این دانش را با حوزه‌های دیگر نشان دهد. به‌نظر می‌رسد تاکنون اثری با این جامعیت به زبان فارسی ترجمه نشده است و ترجمه این کتاب علاوه بر ارائه شناختی تازه از مسائل دانش سبک‌شناسی، می‌تواند راهنمای پژوهشی جدید و متفاوتی در این حوزه باشد. رسیدن به هریک از این اهداف، غایت آرزوی مترجمان است.

در پایان از اهتمام استاد گرانقدر، مدیر فرهیخته و دانش‌دوست انتشارات مروارید، جناب آقای حسن‌زاده، که علاوه بر نشر این اثر، با حسن سلوکشان مایه دلگرمی ما بوده‌اند، سپاسگزاری می‌کنیم و مزید توفیق ایشان را خواستاریم.

مقدمه

سبک‌شناسی چیست؟

سبک‌شناسی مطالعه روش‌های آفرینش معنا در ادبیات و دیگر متون، از طریق زبان است. برای نیل به چنین هدفی، سبک‌شناسان الگوها، نظریه‌ها و چارچوب‌های زبان‌شناختی را به عنوان ابزارهای تحلیلی خود به کار می‌گیرند تا چرایی و نحوه عملکرد متن را توصیف کرده، نشان دهند چگونه از واژگان متن به معنای آنها دست می‌یابیم. چنین تحلیلی کمّاً یا کیفاً بر مختصات آوایی، واژگانی، دستوری، معنایی، کاربردی یا گفتمانی متون متمرکز است؛ این تحلیل هم بر جنبه شناختی دخیل در پردازش ویژگی‌های مذکور به وسیله انسان تمرکز می‌نماید و هم بر ترکیبات متنوع آنها؛ برای نمونه، برخی سبک‌شناسان، با بررسی سبک نویسنده‌ای خاص، اساساً به سازنده متن می‌پردازند، حال آن‌که دیگر سبک‌شناسان عمدتاً بر خود متن (اجمالاً تمام انواع گفتمان) تمرکز می‌کنند؛ درحالی‌که گروه دیگر هنوز به خواننده و نقش خوانندگان در ساخت معنا توجه می‌نمایند. پیشرفت‌های جدید در سبک‌شناسی بر لزوم شناخت ساخت و معنا به عنوان عملی دوگانه تأکید می‌کنند: عملی که به همان اندازه استنباط‌های حاکی از متن را دربرمی‌گیرد که فرآیندهای ذهنی را، فرآیندهایی که سبب درک متن می‌شوند.

سبک‌شناسی اغلب به عنوان رویکردی زبان‌شناختی به ادبیات قلمداد می‌شود و این نیز امری قابل فهم است؛ زیرا بیشتر توجه سبک‌شناسی، تابه‌حال، به متن‌های ادبی معطوف بوده است. به هر روی، به لحاظ کاربردی، بازه گفتمان‌هایی که سبک‌شناسان در حال حاضر

با آنها سروکار دارند، به‌نحو چشمگیری گسترش یافته، تا بدان‌جا که قالب‌های غیرادبی مانند تبلیغات، نوشتار دانشگاهی و اخبار را به اندازه قالب‌های غیرنوشتاری مانند تلویزیون و تبلیغات تصویری، فیلم، نشریات چندبعدی و... دربرمی‌گیرد. سبک‌شناسی با توجه به اساس زبان‌شناختی‌اش، با تحلیلی آگاهانه، نظام‌مند، قابل‌بازایی و (همچنین معمولاً) بافتاری مشخص می‌شود؛ تحلیلی که همه‌جانبه، منسجم و در برابر تغییر منعطف است. به دلیل ماهیت «علمی» زبان‌شناسی در مقایسه با دیگر حوزه‌های علوم انسانی، رویکرد سبک‌شناختی به تحلیل متن، می‌تواند بیش از دیگر شاخه‌های نقد ادبی عینی باشد. با وجود این، باید توجه داشته باشیم که علی‌رغم توجه سخت‌گیرانه سبک‌شناسان، هیچ تحلیل سبک‌شناختی‌ای نمی‌تواند کاملاً عینی باشد؛ زیرا همواره متأثر از عوامل بی‌شماری همچون سلیقه‌های شخصی سبک‌شناس و نیز الگوی زبان‌شناختی یا روش‌شناسی برگزیده اوست.

علی‌رغم این ملاحظات، سبک‌شناسی، با تأمین ابزار و روش‌های کارآمد، توان خود را ثابت کرده است؛ ابزارها و روش‌های زبان‌شناختی که به کاربرانش امکان می‌دهد تا با ابزارهای زبان‌شناختی، تحلیل‌هایی آگاهانه از شیوه‌های خلق معنا در متن ارائه کنند. بدیهی است سبک‌شناسی با کنار هم قرار دادن مطالعات زبان‌شناختی و ادبی، حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است. از این‌رو، ادعاهای التقاطی این حوزه، راه را برای ورود دیدگاه‌های مختلف رشته‌های دیگر همچون فلسفه، مطالعات فرهنگی، جامعه‌شناسی، تاریخ و روان‌شناسی در تحلیل‌های سبک‌شناختی ادبیات هموار کرده است. اگرچه ماهیت میان‌رشته‌ای سبک‌شناسی گاهی با انتقادهایی همراه شده است، دیگران آن را مزیت توان الهام‌بخش این رویکرد دانسته و به ستایش آن پرداخته‌اند.

شاخه‌های سبک‌شناسی؛ نمای تاریخی مختصر

به نظر می‌رسد به‌لحاظ تاریخی، سبک‌شناسی به زمان تمرکز بر سبک گفتار و کلام شفاهی بازگردد که در بلاغتی مبتنی بر سنت کتاب «رتوریک» ارسطو پرورش و گسترش یافت. با این حال، سبک‌شناسی به‌طور گسترده در دهه ۱۹۶۰، به‌ویژه در انگلیس و آمریکا، شکوفا شد و تا حد زیادی متأثر از کارهای پرچمدارانِ فرمالیسم روسی از جمله رومن

یاکوبسن و ویکتور شک洛夫سکی بود. فرمالیست‌های روسی امیدوار بودند تا پژوهش ادبی را «علمی» تر کنند. برای این کار، قاطعانه پژوهش ادبی را بر پایه مشاهداتی ضریح دربارهٔ مختصات شکلی - زبانی متون تحت بررسی، قرار دادند. آنان به‌طور خاص، به «ادبیّت» علاقه‌مند بودند و پژوهش سبک‌شناسختی خود را وقف ساختارهای آوایی، واژگانی و دستوری، از جمله قرینه‌سازی و قاعده‌کاهی زبانی، کردند که به متن جنبه «ادبی» می‌بخشید. (بنگرید: سبک‌شناسی فرمالیستی و برجسته‌سازی). فرمالیست‌ها تقریباً تمام پژوهش سبک‌شناسختی خود را بر شعر متمرکز کردند. زمانی فرمالیست‌ها - دست‌کم در حلقه‌های سبک‌شناسی - به دلیل توجه به جنبه‌های زبانی معناساز ادبی و به‌خاطر ماهیت نظام‌مند و همه‌جانبه آثارشان، تحسین می‌شدند. البته گاهی اوقات نیز به دلیل تمرکز بیش از حد بر شکل زبانی به‌قیمت غفلت از کنش و نیز تأثیرات مختصات شکلی و نادیده‌گرفتن اهمیت معیارهای بافتی مانند بافت‌های کاربردی، اجتماعی و تاریخی متون، مورد انتقاد قرار می‌گرفتند.

تمرکز بر ادبیات به‌طور عام و شعر و شاعری به‌طور خاص، از یک سو و ویژگی بینارشته‌ای که حتی از همان سال‌های آغازین سبک‌شناسی قابل‌مشاهده بود، از سوی دیگر، سبب شد برخی سبک‌شناسی را صرفاً زیرشاخه‌ای از نقد ادبی بدانند. همچنین این سؤال مطرح بود که آیا سبک‌شناسی می‌تواند به‌عنوان چیزی بیش از یک روش باشد یا با توجه به ویژگی التقاطی آن، شالوده‌های ایدئولوژیکی و نظری را دربرمی‌گیرد. بنابراین موضوعات مرتبط با کارکرد و بافت متن، که حاکی از گرایشی نقش‌گرایانه به سبک‌شناسی بود، با افزایشی چشمگیر، از اواخر سال‌های ۱۹۷۰ مورد توجه قرار گرفتند (بنگرید: سبک‌شناسی نقش‌گرا). تمرکز بر زبان تحت عنوان «نشانه‌شناسی اجتماعی»، یکی از تأثیرات خاص الگوی زبانی نقش‌گرای هلیدی بود؛ بدین معنی که یک الگوی معناساز زبانی به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی، بر بافتی که در آن روی می‌دهد تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌پذیرد. از نظر هلیدی هر گزینش زبانی، نقش‌مند و تحلیل‌گر است و زبان‌شناس یا سبک‌شناس، نهایتاً باید نقش‌های زبانی (تجربی، بینافردی و متنی) را همان‌گونه که عملاً در بافتی خاص به‌کار می‌رود، بررسی کند (بنگرید: ام. ای. کی. هلیدی). علاوه‌براین، رویکرد نقش‌گرا، به بسط بیشتر متن گرایش داشت و ابزارهای تحلیلی را برای سبک‌شناسانی که می‌خواستند به متن‌های بلندتر همچون داستان روایی و نمایش‌نامه‌ها

بپردازند، فراهم می‌کرد.

زبان‌شناسی مکتب هلیدی، به دلیل تمرکز بر بافت اجتماعی و تحقق معیارهای بافتی مانند طرز بیان، نوع ادبی و ایدئولوژی در هر متن مفروض، نقش مهمی در شاخه‌هایی از سبک‌شناسی ایفا کرده‌اند که به‌نوعی با نمود زبانی ایدئولوژی سروکار دارند، مانند سبک‌شناسی فمینیستی (بنگرید به این مدخل) و سبک‌شناسی انتقادی (بنگرید به این مدخل). سبک‌شناسان فمینیست مخصوصاً به درک و توجه روابط (نا برابر) جنسیت در متن‌های ادبی و دیگر متن‌ها می‌پردازند و در حقیقت به‌عنوان گروهی از سبک‌شناسان انتقادی محسوب می‌شوند که به‌طور کلی، تمرکزشان بر تجسم زبانی نابرابری اجتماعی، ساختارهای قدرت و ایدئولوژی است.

اساساً، رویکردهای کاربردشناختی مختلف در تحلیل متن، که ماهیتی نقش‌گرا دارند، در دهه ۱۹۶۰ پدیدار شدند، اما تنها در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ در سبک‌شناسی نقش ایفا کردند. سبک‌شناسان کاربردگرا مانند سبک‌شناسان نقش‌گرا با زبان رایج و متداول و عوامل بافتی مانند بافت‌های زبانی، اجتماعی، فرهنگی و نوشتاری تولید و پذیرش متون سروکار دارند. تمرکز بر گفت‌وگو به‌عنوان مبادله یا «معنای بینافردی»، علاقه به مختصات زبانی مانند کنش‌های گفتاری، نشانگرهای گفتمان، تکنیک‌های ادب و غیره، هسته اصلی زبان‌شناسی کاربردی را تشکیل می‌دهند که همگی، آن را به رویکردی سودمند برای نمایشنامه و دیگر انواع متون گفت‌وگومحور، بدل می‌کنند. علی‌رغم توجه سبک‌شناسی به متن‌های نمایشنامه‌ای، هنوز غفلت از این نوع ادبی، در مقایسه با تحلیل‌های سبک‌شناختی انواع روایی دیگر، مشهود است.

گرایش عمده دیگر در سبک‌شناسی، با خیزش و رشد اخیر در زبان‌شناسی شناختی برانگیخته شد. نقشی که شناخت بشری در آفرینش معنا ایفا می‌کند در کانون توجه سبک‌شناسان و زبان‌شناسان شناختی قرار دارد. سبک‌شناسی شناختی (بنگرید به این مدخل) یا بوطیقای شناختی در تحلیل‌ها (یش)، دانش شناختی، زبان‌شناسی و مطالعات ادبی را با هم می‌آمیزد. در این تحلیل‌ها، معنا به مثابه محصول متن و مفهوم‌سازی بشر از آن محسوب می‌شود؛ معنایی که اهمیتی یکسان به متن و خواننده می‌دهد.

سبک‌شناسی پیکره‌ای (بنگرید به این مدخل) که همراه با زبان‌شناسی پیکره‌ای و پیشرفت‌های فنی، رشد کرده، گرایش جدید دیگری در این حوزه است. سبک‌شناسان

پیکره‌ای روش‌هایی از زبان‌شناسی پیکره‌ای مدرن را برای تحلیل بسیاری از متون ادبی و دیگر اطلاعات زبان به کار می‌برند و آن را با اصول اصلی سبک‌شناسی می‌آمیزند. در گذشته سبک‌شناسان و زبان‌شناسان، مانند هم، به جستجوی دستی متون به دنبال پدیده‌های زبان گوناگون، محدود شده بودند - جستجویی که اکنون امکان انجام آن با رایانه وجود دارد - مشروط بر اینکه که نرم‌افزارهای کامپیوتری در دسترس، بتوانند پدیده‌های مورد جستجو را تشخیص دهند. جای شگفتی نیست که رویکرد پیکره‌ای به تحلیل ادبی، ناباوری بسیاری را در میان برخی منتقدان ادبی برانگیخته است؛ منتقدانی که اساساً نگرانند که نحوه برخورد با ادبیات به وسیله رایانه، منجر به از دست رفتن ماهیت خاص هنر ادبی شود. (برای اطلاع و بحث نقادانه مزیت‌ها و مضرات رویکرد سبک‌شناسی مبتنی بر پیکره ادبی به تولان (۲۰۰۹) مراجعه کنید).

علی‌رغم چنین نقدها و انتقادات مشابه، امروزه روش‌های زبان‌شناسی پیکره‌ای به‌طور روزافزونی به‌عنوان ابزاری کاربردی برای مواجهه و تشخیص سبک بسیاری از متون، نویسندگان یا انواع ادبی خاص مورد تأیید و تقدیرند. ابزاری که می‌تواند حدس‌های تحلیلگران درباره متن را به‌لحاظ کیفی بسنجد و حتی آنان را از مختصات دستوری و واژگانی و الگوهایی آگاه کند که ممکن است جز از این راه به ذهن‌شان خطور نکند.

بازیگر نسبتاً جدید بر صحنه سبک‌شناسی، سبک‌شناسی چندوجهی است (بنگرید به این مدخل). طرفداران این شاخه از سبک‌شناسی به معناسازی‌ای علاقه‌مندند که نه تنها با آرایش واژگان بلکه توسط دیگر شیوه‌های نشانه‌شناسی‌ای که در متن ادبی مانند دیگر انواع متون دخیلند، حاصل می‌شود. بر اساس پژوهشی عمومی‌تر درباره چندوجهی بودن، سبک‌شناسی چندوجهی در پی گسترش و به‌کارگیری «دستور زبان‌هایی» برای تمام شیوه‌های نشانه‌شناسی متفاوتی است که ممکن است در یک اثر ادبی هنری شرکت داشته باشند؛ به عبارتی، روش‌هایی مانند فن چاپ، ترکیب [صفحه]، رنگ و شکل‌های دیداری قادرند به‌صورتی نظام‌مند با تمام این شیوه‌ها و روابط متقابل آنها به‌عنوان شاخه‌های سبک‌شناسی سنتی‌تر که از گذشته با آرایش کلمات سروکار دارند، ارتباط برقرار کنند.

سرانجام، شاخه‌های اصلی سبک‌شناسی مؤلفه‌هایی را از برخی شاخه‌های مذکور می‌گیرند و ترکیب می‌کنند. سبک‌شناسی تاریخی شاخه‌ای است با هدف کندوکاو در متون تاریخی از منظری سبک‌شناختی، یا با هدف بررسی جنبه‌های زبانی سبک از زاویه

تغییر یا ثبات در طول زمان؛ سبک‌شناسان تاریخی، فی‌المثل، از مفاهیم، روش‌شناسی‌ها و الگوهایی از سبک‌شناسی پیکره‌ای، سبک‌شناسی شناختی و سبک‌شناسی کاربردی کمک می‌گیرند.

سبک‌شناسی در آموزش و عالم علم و ادب

در انگلستان مانند سایر کشورهای اروپایی نظیر آلمان، اسپانیا و دانمارک، سبک‌شناسی به‌عنوان نظامی فکری در سیستم آموزشی، جایگاهی پیدا کرده که خلأ سستی میان ادبیات و زبان‌شناسی را در برنامه‌هایی با درجات زبانی مختلف برطرف کرده است. معمولاً در این بافت، واحدهای درسی سبک‌شناسی برای افزایش آگاهی دانشجویان از مختصات زبان و روش‌های به‌کاررفته در متون مختلف با تأثیرات متفاوت، قرار گرفته‌اند. به‌علاوه، برای بهبود مهارت‌های تحلیلی دانشجویان در سطح زبانی، سبک‌شناسی به منظور افزایش عملکرد زبانی دانشجویان یا در دوره‌های آموزشی خاص نویسندگی خلاق، به کار گرفته می‌شود. شاخه‌ای خاص از سبک‌شناسی، یعنی سبک‌شناسی آموزشی به بررسی دلالت‌های تربیتی ضمنی سبک‌شناسی در تعلیم ادبیات، همچون فراگیری زبان‌های اولیه و ثانویه، می‌پردازد.

سبک‌شناسی، پس از گذشت سال‌ها، آن‌چنان اهمیتی به‌دست آورده که در دنیای علم و ادب در نقاط مختلف دنیا، از اروپا تا آفریقا، از امریکا تا ژاپن بدان توجه می‌شود. این امر سبب شکل‌گیری گروه‌ها و جمعیت‌های متفاوتی برای سبک‌شناسانی شده که در حال حاضر برجسته‌ترین آنها جمعیت ادبیان و زبان‌شناسان (PALA) و جمعیت بین‌المللی نشانه‌شناسی ادبی (IALS) است که هر دو بین‌المللی هستند و اعضای بی‌شماری از سراسر جهان دارند. شاخص‌ترین مجله‌های سبک‌شناسی در حوزه بین‌المللی زبان و ادبیات، مجله نشانه‌شناسی و سبک ادبی هستند.

جعبه ابزار سبک‌شناسی؛ نمای کلی کتاب

استعاره‌ای که اغلب برای توصیف سبک‌شناسی به‌کار می‌رود «مجموعه ابزار» یا «جعبه ابزار» است. مفهومی که این استعاره منعکس می‌کند عبارت است از جعبه ابزار

بزرگی که طیف گسترده‌ای از ابزارهای زبانی قابل‌دسترس برای منتقدانی را دربرمی‌گیرد که امیدوارند تحلیل‌شان را از ادبیات و دیگر انواع متون، قاطعانه در زبان واقعی این متون تثبیت کنند. با ظهور انگاره‌های زبان‌شناسی جدید، بخش‌ها و ابزارهای جدیدی به این جعبه ابزار افزوده شده است. برخی سبک‌شناسان به ابزارهای یک بخش اکتفا می‌کنند. (برای نمونه: نقش‌گرایان، بخش شناختی یا بخش پیکره زبانی) حال آنکه گروهی دیگر آزادانه‌تر با ترکیب امکانات این جعبه ابزار یک‌دست و کامل، ویژگی بینارشته‌ای سبک‌شناسی را برمی‌گزینند. کتاب حاضر قصد دارد نمایی کلی از جعبه ابزار سبک‌شناسی، ابزار قابل‌دسترس آن، انگاره‌های زبان‌شناختی مختلف و شاخه‌های سبک‌شناسی که این ابزار را تولید کرده و/ یا به کار می‌برند، همچنین اندیشمندان اصلی این حوزه، در اختیار خواننده قرار دهد.

کتاب در چهار بخش تنظیم شده است: بخش اول، «شاخه‌های اصلی سبک‌شناسی» است که نمایی کلی از حوزه‌های متنوع سبک‌شناسی را در اختیار قرار می‌دهد و متشکل از مدخل‌هایی با رویکردهای متفاوت سبک‌شناسی به متن است؛ مانند سبک‌شناسی شناختی، سبک‌شناسی فمینیستی، سبک‌شناسی پیکره‌ای و سبک‌شناسی چندبعدی. بخش دوم، «اصطلاحات کلیدی سبک‌شناسی»، شامل فهرست گسترده‌ای از اصطلاحات و مفاهیم مرتبط با این حوزه به همراه مراجع التقاطی سودمند میان مدخل‌های مختلف است. بخش سوم، «متفکران اصلی سبک‌شناسی» است که فهرستی از اندیشمندان مهم و افراد شاخص در این زمینه، خلاصه آثار، عقاید و مشارکت فراگیر آنان را به‌خوبی در اختیار قرار می‌دهد. علاوه بر سبک‌شناسان اصلی، این بخش فهرستی از دیگر محققان را دربرمی‌گیرد که هرچند خودشان سبک‌شناس نیستند، به دلیل مشارکت‌شان در انگاره‌های زبانی‌ای که این حوزه را سال‌ها تحت تأثیر قرار داده، در زمینه سبک‌شناسی مؤثر بوده‌اند. این فهرست به‌هیچ‌وجه مجموعه‌ای کامل نیست و اسامی پژوهشگران بسیاری را می‌توان به این سیاهه افزود. نویسندگانی که در بخش «متفکران اصلی» مدخلی برایشان نیامده به‌قدر کفایت در بخش اصلی کتاب به آنها ارجاع داده شده است، بنابراین از خواننده تقاضا می‌شود بخش «کتاب‌شناسی» را برای کسب اطلاعات بیشتر درباره آنان مرور کند. بخش نهایی، «کتاب‌شناسی سبک‌شناسی»، شامل فهرستی جامع از متون محوری سبک‌شناسی است. در این، بخش متون سبک‌شناسی که در بخش‌های قبلی این کتاب به

آنها ارجاع داده شده، فهرست شده‌اند، همچنان‌که، تعداد قابل ملاحظه‌ای از متون دیگر سبک‌شناسی ذکر شده که شاخه‌های گوناگون این حوزه را دربرمی‌گیرند. در پایان این بخش، خواننده می‌تواند به فهرستی از منابع اولیه، مانند رمان‌ها، اشعار یا فیلم‌هایی دست یابد که در کتاب، شواهدی از آنها نقل شده است.